

## بررسی تبصره ۴ ماده ۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی (الحاقی ۲۶ اسفند ۱۳۸۳)

دکتر جواد تقی زاده\*

**چکیده:** برای حل مشکل حوزه انتخابیه بابلسر و فریدونکنار در انتخابات هفتمین دوره قانونگذاری جمهوری اسلامی ایران به دلیل استعفای منتخب این حوزه پیش از رسیدگی به اعتبارنامه ها، مجلس هفتم در تاریخ ۲۶ اسفند ۱۳۸۳ قانون الحاق یک تبصره به ماده ۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی را تصویب کرد. با تصویب این قانون و الحاق تبصره ۴ به ماده ۸ قانون مذکور مشکل حوزه انتخابیه بابلسر و فریدونکنار حل گردید و انتخاب نماینده این حوزه همزمان با انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری برگزار شد. به موجب این قانون، "پذیرش انصراف هر یک از متخین پس از تأیید صحت انتخابات و قبل از تصویب اعتبارنامه نیز می بایست به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد". با نگاهی به فرایند تصویب قانون در مجلس شورای اسلامی خصوصاً به متن مصوب کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی و بررسی محاسن و معایب طرح های پیشنهادی و در نهایت متن نهایی مصوب مجلس شورای اسلامی، به نظر می رسد که کاستی های این قانون از محاسن آن به مراتب بیشتر است و حال آنکه عکس این مساله در مورد متن مصوب کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی به عنوان کمیسیون تخصصی مجلس شورای اسلامی صادق است. با اذعان به کاستی های متون مصوب مجلس و کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی، نگارنده تلاش می نماید تا برای تعیین وضعیت حقوقی انصراف هر یک از متخین پیش از تصویب اعتبارنامه او در مجلس راه حلی را که ظاهراً از ایرادات کمتری برخوردار است جهت اصلاح احتمالی تبصره ۴ ماده ۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی به قانونگذار عادی پیشنهاد نماید.

**واژه های کلیدی:** حقوق انتخاباتی، انصراف متخین، مجلس شورای اسلامی.

## طرح مقاله

### پیشگفتار

مبحث اول: متن مصوب کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی  
بند الف. محاسن متن مصوب کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی  
بند ب. معایب متن مصوب کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی  
مبحث دوم: متن پیشنهادی یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی  
بند الف. محاسن متن پیشنهادی یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی  
بند ب. معایب متن پیشنهادی یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی  
مبحث سوم: متن نهایی مصوب مجلس شورای اسلامی  
بند الف. محاسن متن نهایی مصوب مجلس شورای اسلامی  
بند ب. معایب متن نهایی مصوب مجلس شورای اسلامی  
نتیجه گیری

\*\*\*\*\*

### پیشگفتار

موضوع انتخابات مجلس هفتم در حوزه انتخابیه بابلسر و فریدونکنار یکی از مواردی است که ضرورت بررسی زوایای مختلف قوانین و مقررات انتخاباتی و حتی بازبینی آنها را آشکار نمود. شورای نگهبان با ابطال آرای برخی از صندوق های اخذ رأی در بخش فریدونکنار و در نتیجه تصحیح نتایج انتخابات و اعلام انتخاب نفر دوم به جای نفر اول اعلام شده توسط وزارت کشور<sup>۱</sup> زمینه نمایان شدن یکی از زوایای مبهم حقوق انتخاباتی ایران را فراهم کرد. اعتراض عمومی بخشی از مردم فریدونکنار<sup>۲</sup> و بیم گسترش ناآرامی ها به استعفا یا انصراف منتخب بابلسر منجر گردید<sup>۳</sup>. اما منتخب بابلسر که طی

1- <http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=65360>

2- <http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=66073>

3- <http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=66448>

نامه ای به فرمانداری بابلسر (مجری انتخابات) استعفای خود از نمایندگی را اعلام نموده بود<sup>۴</sup> بلافاصله پس از فروکش نمودن نا آرامی ها تصمیم به حضور در مجلس قانونگذاری گرفت و درخواست خود را از طریق ارسال نامه ای خطاب به شورای نگهبان (ناظر انتخابات) مطرح نمود. قانونگذار مسئولیت دستور صدور اعتبارنامه متتخبان را بر عهده وزارت کشور قرار داد (موضوع ماده ۷۳ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی) و این نهاد با استناد به این امر که انصراف منتخب بابلسر معتبر و غیرقابل برگشت است (موضوع ماده ۴۶ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی) از صدور اعتبارنامه منتخب بابلسر سر باز زد. در اثر پافشاری های وزارت کشور و در نهایت نایب سکوت قانون انتخابات توسط

<sup>۴</sup> - منتخب بابلسر تصمیم خود مبنی بر عدم حضور در مجلس را در قالب استعفا به فرمانداری بابلسر اعلام کرد. در اطلاعیه ستاد انتخابات استان مازندران به پذیرفته شدن استعفای منتخب بابلسر و در نتیجه کشیده شدن انتخابات این حوزه انتخابیه به میاندره ای اشاره شده است. رک:

<http://www.isna.ir/Main/NewsView.aspx?ID=News-361388>

<sup>۵</sup> - ماده ۷۳ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مقرر می دارد: "صدور اعتبارنامه متتخبین موقوف به عدم ابطال انتخابات از طرف شورای نگهبان می باشد و شورای نگهبان در اسرع وقت نظر خود را درباره انتخابات اعلام می نماید و وزارت کشور موظف است بلافاصله دستور صدور اعتبارنامه را بدهد". در همین راستا ماده ۷۴ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مقرر می دارد: "اعتبارنامه متتخبین به دستور وزارت کشور و با مهر و امضای اعضای هیات اجرایی و هیات نظارت در پنج نسخه (یک نسخه برای شورای نگهبان) ظرف مدت چهل و هشت ساعت تنظیم و صادر می گردد".

<sup>۶</sup> - ماده ۴۶ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مقرر می دارد: "هر یک از داوطلبان نمایندگی مجلس شخصا و به صورت کتبی می توانند انصراف خود را به فرمانداری یا بخشداری مرکز حوزه انتخابیه و یا وزارت کشور اعلام نمایند و مراتب انصراف توسط وزارت کشور فوراً به اطلاع هیات مرکزی نظارت می رسد. عدول از انصراف پذیرفته نمی شود". نماینده وزارت کشور در زمان تصویب کلیات طرح الحاق یک تبصره به ماده ۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی بیان نموده بود که وزارت کشور معتقد است که مساله بابلسر و فریدونکنار مشمول تبصره ۳ ماده ۸ قانون انتخابات می شود و باید در این حوزه انتخابیه انتخابات میاندره ای برگزار کرد (روزنامه رسمی، شماره ۱۷۵۰۷، مفادکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی، دوره هفتم - اجلاس اول، جلسه ۸۰، مورخ ۱۳۸۳/۱۲/۰۵، ص ۱۷). تبصره ۳ ماده ۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مقرر می دارد: "چنانچه به علت فوت، استعفا و یا هر علت دیگر حوزه انتخابیه ای یک یا چند نماینده خود را از دست بدهد، وزارت کشور مکلف است ظرف مدت هفت ماه پس از تاریخ اعلام آن توسط مجلس شورای اسلامی یا هماهنگی شورای نگهبان انتخابات را در حوزه مربوطه برگزار نماید". با توجه به ذکر اصطلاح نماینده در متن تبصره ۳، به نظر می رسد که مراد قانونگذار در اینجا تعیین وضعیت در مورد فوت، استعفا و یا ... نماینده است نه منتخب. هر چند مواردی را می توان یافت که قانونگذار اصطلاح نماینده را برای منتخب پیش از تصویب اعتبارنامه او نیز به کار برده است. مثلا می توان ماده ۸۹ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی را ذکر کرد که فرمانداران و بخشداران مرکز حوزه انتخابیه را موظف می نماید تا حداکثر ظرف چهل و هشت ساعت پس از اعلام ستاد انتخابات کشور مبنی بر صدور اعتبارنامه متتخبان نسبت به صدور اعتبارنامه های نمایندگان مجلس شورای اسلامی حوزه انتخابیه اقدام نمایند.

شورای نگهبان<sup>۷</sup>، مجلس هفتم با تصویب ماده واحده ای به نوعی در راستای رفع این نقیصه قدم برداشت. در نتیجه انتخابات میان دوره ای در حوزه انتخابیه بابلسر و فریدونکنار هم زمان با انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری در ۲۷ خرداد ۱۳۸۴ برگزار گردید و فردی که در مرحله قبل توسط وزارت کشور (نه شورای نگهبان) به عنوان منتخب اعلام شده بود به مجلس شورای اسلامی راه یافت.<sup>۸</sup> انصراف یا استعفای منتخب بابلسر و در نتیجه عدم صدور اعتبارنامه او توسط وزارت کشور علیرغم نظر کمیسیون اصل ۹۰ مجلس هفتم<sup>۹</sup> زمینه طرح این پرسش را فراهم نمود که آیا استعفا یا انصراف منتخب پیش از رسیدگی به اعتبارنامه او معتبر است؟ هرکدام از طرفین (وزارت کشور و موافقان ورود منتخب مستعفی به مجلس) دلایلی را در راستای تایید مواضع خود (اعتبار یا عدم اعتبار استعفا) ارایه می نمودند و علیرغم تلاش هایی که صورت گرفت هیچ گاه ماهیت حقوقی رسیدگی به اعتبارنامه ها به صورت مناسب مورد کنکاش واقع نشد. بررسی این مساله می توانست بدون شک به عنوان ابزاری مناسب در اختیار مجلس هفتم در هنگام تصویب قانون الحاق یک تبصره به ماده ۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۲۶ اسفند ۱۳۸۳ قرار گیرد. بررسی ماهیت حقوقی رسیدگی به اعتبارنامه ها را باید به فرصت های دیگر واگذار کرد و در اینجا فقط راه حل انتخابی مجلس هفتم را با نگاهی به فرایند تصویب آن در پارلمان تحلیل خواهیم کرد.

برای حل مشکل حوزه انتخابیه بابلسر و فریدونکنار در جلسه مورخ ۲۲ آذر ۱۳۸۳ طرحی با قید دو فوریت در مجلس شورای اسلامی اعلام وصول شد.<sup>۱۰</sup> این طرح مقرر می کرد: "در صورتی که منتخبین مجلس شورای اسلامی قبل یا پس از تایید صحت انتخابات توسط شورای نگهبان تا قبل از تصویب اعتبارنامه در مجلس شورای اسلامی از پذیرش نمایندگی منصرف شوند، مراتب را به صورت رسمی به فرمانداری حوزه انتخابیه اعلام می نمایند، این انصراف پذیرفته شده تلقی می گردد و انتخابات نماینده حوزه انتخابیه مورد نظر در اولین انتخابات میان دوره ای بعد از انصراف انجام خواهد شد"<sup>۱۱</sup>. با توجه به عدم ذکر عطف به ماسبق شدن قانون در این طرح، اگر این متن به تصویب مجلس شورای اسلامی می رسید مشکل انتخابات بابلسر حل نمی شد. این موضوع توسط برخی از نمایندگان

7- <http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=119300>

8- <http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=196649>

9- <http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=141148>

۱۰- روزنامه رسمی، شماره ۱۷۴۳۲، مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی، دوره هفتم - اجلاس اول، جلسه ۵۵،

مورخ ۱۳۸۳/۰۹/۲۲، ص ۲۴.

11- <http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=142738>

پیش از ارایه طرح توسط طراحان به مجلس<sup>۱۲</sup> و نیز پس از طرح موضوع در مجلس<sup>۱۳</sup> بیان شده بود. دو فوریت طرح پیشنهادی مورد تصویب قرار نگرفت و لذا طراحان متن مذکور پیشنهاد رأی گیری برای تصویب یک فوریت آن را مطرح کردند. با تصویب یک فوریت طرح مذکور در مجلس شورای اسلامی<sup>۱۴</sup>، مساله به کمیسیون ارجاع داده شد تا در آنجا خارج از نوبت مورد بررسی قرار گیرد. به پیشنهاد یکی از نمایندگان، مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۲۷ دی ماه ۱۳۸۳ از این طرح سلب فوریت کرد<sup>۱۵</sup>. کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی طی دو شور متن مصوب خود را به مجلس ارایه نمود که این متن (مبحث اول)، متن پیشنهادی یکی از نمایندگان (مبحث دوم) و متن پیشنهادی جمعی از نمایندگان که در واقع متن نهایی مصوب مجلس شورای اسلامی نیز است (مبحث سوم) مورد مطالعه قرار خواهند گرفت.

### مبحث اول: متن مصوب کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی

کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی به عنوان کمیسیون تخصصی در تاریخ ۱۳۸۳/۱۱/۲۷ (شور اول) و تاریخ ۱۳۸۳/۱۲/۲۳ (شور دوم) متن زیر را تحت عنوان تبصره ۴ الحاقی به ماده ۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی به تصویب رسانید و به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد کرد. متن مصوب کمیسیون مقرر می کرد: "در صورتی که متتخین مجلس شورای اسلامی قبل یا پس از تایید صحت انتخابات توسط شورای نگهبان تا قبل از تصویب اعتبارنامه در مجلس شورای اسلامی از پذیرش سمت نمایندگی منصرف شوند مراتب را بصورت رسمی به وزارت کشور اعلام می نمایند. این انصراف در صورتی که مانع تشکیل رسمی مجلس شورای اسلامی نشود پذیرفته شده

12- <http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=142738>

<http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=142765>,

۱۳- روزنامه رسمی، شماره ۱۷۴۳۲، همان، صص ۲۵ و ۲۶.

۱۴- همان، ص ۲۶.

۱۵- روزنامه رسمی، شماره ۱۷۴۷۱، مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی، دوره هفتم - اجلاس اول، جلسه ۶۱.

مورخ ۱۳۸۳/۱۰/۲۷، ص ۱۳.

تلقی می‌گردد و انتخاب نماینده حوزه انتخابیه مورد نظر در اولین انتخابات میان‌دوره ای بعد از انصراف انجام خواهد شد. مفاد این تبصره به انتخابات مجلس هفتم تسری می‌یابد.<sup>۱۶</sup>

متن مصوب کمیسیون با محاسن و معایبی همراه بود. محاسن متن مزبور عمدتاً بر روی مفاد تبصره ۴ پیشنهادی مذکور در بالا تکیه می‌کرد و معایب آن به دلیل وجود تبصره دیگری تحت عنوان تبصره ۵ در متن مصوب کمیسیون در شور دوم بوده است که به آن خواهیم پرداخت.

### بند الف. محاسن متن مصوب کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی

۱. وضعیت انصراف متخبران را چه قبل و چه پس از تایید صحت انتخابات توسط شورای نگهبان تا قبل از تصویب اعتبارنامه‌ها در مجلس شورای اسلامی قاعده مند می‌کرد.

به نظر می‌رسد که این موضوع حسن اصلی متن مصوب کمیسیون امنیت ملی بوده است. برای تبیین این مساله مباحثی را باید طرح کرد.

الف. سه وضعیت در مورد اشخاص حاضر در صحنه رقابت انتخاباتی قابل تصور است که عبارتند از داوطلب، منتخب و نماینده.

ب. داوطلب به شخصی اطلاق می‌گردد که نامزدی او در انتخابات بطور رسمی توسط مراجع صلاحیتدار اعلام شده است و هنوز انتخاب یا عدم انتخاب او توسط مراجع مجری (وزارت کشور) یا ناظر (شورای نگهبان) انتخابات اعلام نشده است. البته در جامعه و حتی برخی مواقع در قوانین و مقررات به افرادی که قصد ثبت نام در رقابت انتخاباتی را دارند<sup>۱۷</sup> و یا ثبت نام نموده‌اند ولی نامزدی آنها بطور رسمی اعلام یا تایید نشده است<sup>۱۸</sup> نیز داوطلب اطلاق می‌گردد. بدیهی است که این دسته از افراد می‌توانند بدون هیچ گونه محدودیتی از حضور در صحنه انتخابات کنار بکشند. وضعیت انصراف افرادی که قبل از رأی‌گیری و یا حتی پس از رأی‌گیری (ولی پیش از اعلام نتایج) به صورت رسمی (با اعلام وزارت کشور یا تایید شورای نگهبان) در صحنه انتخابات حاضرند و خود را در معرض انتخاب مردم قرار داده‌اند در ماده ۴۶ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی به این صورت بیان شده

۱۶- روزنامه رسمی، شماره ۱۷۵۰۵، مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی، دوره هفتم - اجلاس اول، جلسه ۷۹، مورخ ۱۳۸۳/۱۲/۰۴، ص ۲۶ و روزنامه رسمی، شماره ۱۷۵۳۱، مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی، دوره هفتم -

اجلاس اول، جلسه ۹۲، مورخ ۱۳۸۳/۱۲/۲۵، ص ۲۹.

۱۷- مانند ماده ۴۵ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی.

۱۸- مانند ماده ۴۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی.

است: "هریک از داوطلبان نمایندگی مجلس شخصا و به صورت کتبی می توانند انصراف خود را به فرمانداری یا بخشداری مرکز حوزه انتخابیه و یا وزارت کشور اعلام نمایند و مراتب انصراف توسط وزارت کشور فوراً به اطلاع هیات مرکزی نظارت می رسد. عدول از انصراف پذیرفته نمی شود". لذا انصراف داوطلبان بدون هیچ گونه محدودیتی معتبر است و قابل عدول نیست.

ج. منتخب به شخصی اطلاق می گردد که علاوه بر شرکت در رقابت انتخاباتی، توسط مراجع صلاحیتدار (وزارت کشور و یا شورای نگهبان در صورت تصحیح نتیجه انتخابات) به عنوان پیروز انتخابات اعلام می گردد ولی هنوز اعتبارنامه او (در صورت صدور یا عدم صدور) توسط مجلس شورای اسلامی به تصویب نرسیده است. وضعیت انصراف این دسته از اشخاص در متن پیشنهادی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی به روشنی بیان شده بود. زیرا این طرح مقرر می کرد که مراتب انصراف متتخبان قبل یا پس از تایید صحت انتخابات توسط شورای نگهبان تا قبل از تصویب اعتبارنامه در مجلس شورای اسلامی می بایست توسط آنها به صورت رسمی به وزارت کشور اعلام گردد و این انصراف را در صورتی که مانع تشکیل رسمی مجلس شورای اسلامی نمی شد پذیرفته شده تلقی می کرد. به موجب این متن انصراف متتخبان اصولاً معتبر و جز در مورد استثنایی پذیرفته شده تلقی می شد.

د. نماینده به شخصی اطلاق می گردد که پس از پیروزی در رقابت انتخاباتی، تایید صحت انتخاب او توسط شورای نگهبان و صدور اعتبارنامه او توسط وزارت کشور، اعتبارنامه اش در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده است. وضعیت استعفای نمایندگان در ماده ۹۲ آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی به این صورت بیان شده است: "هر نماینده که اعتبارنامه او به تصویب رسیده است می تواند از مقام نمایندگی استعفا دهد. پذیرش استعفا موکول به تصویب مجلس است".

ه. با توجه به روشن بودن وضعیت انصراف داوطلبان در ماده ۴۶ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی و وضعیت استعفای نمایندگان در ماده ۹۲ آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، متن پیشنهادی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی به دلیل جامعیتی که داشت کاملاً وضعیت انصراف متتخبان را قاعده مند می نمود و تمام طبقات متتخبان (چه کسانی که انتخاب آنها به تایید شورای نگهبان رسیده بود یا خیر و چه کسانی که اعتبارنامه آنها توسط وزارت کشور صادر شده بود یا خیر) را در بر می گرفت. لذا هیچ گونه خلا قانونی یا سکوت قانونگذار به وجود نمی آمد و هیچ وضعیتی با فقدان حکم قانون مواجه نمی شد.

۲. با نگاهی به مفاد متن پیشنهادی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی این موضوع تایید می شود که کمیسیون اصل را بر ایقاعی بودن انصراف قرار داده بود ولو این که در قسمتی از متن مصوب کمیسیون از عبارت "پذیرفته شده" تلقی کردن انصراف سخن به میان آمده بود. لذا به موجب این متن ضرورتی نداشت که انصراف توسط مرجع یا نهاد خاصی مورد پذیرش قرار گیرد و قانونگذار انصراف را جز در صورت ممانعت از تشکیل رسمی مجلس شورای اسلامی پذیرفته شده تلقی می کرد. در فرض عدم ممانعت انصراف از تشکیل رسمی مجلس، پذیرش انصراف منتخب به نهاد یا مرجع خاصی واگذار نشده بود و به اصل ایقاعی بودن انصراف<sup>۱۹</sup> خللی وارد نمی شد.

۳. جهت جلوگیری از بروز مشکلات احتمالی، قانونگذار مرجعی را که متخبان می بایست انصراف خود را به او اعلام کنند مشخص می نمود. لذا علیرغم نظر طراحان اولیه قانون که فرمانداری حوزه انتخابیه را مرجع دریافت انصراف قرار داده بودند، به جهت اهمیت موضوع، کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی وزارت کشور را به عنوان مرجع دریافت انصراف متخبان معین می کرد. پیش بینی لزوم تحویل انصراف به وزارت کشور به این منظور صورت گرفت که "وزارت کشور می داند چه تعداد نماینده منتخب در سراسر کشور هست و چه کسانی منتخب شده اند"<sup>۲۰</sup> و حال آنکه این امکان برای هر فرمانداری فراهم نیست. فقط وزارت کشور از این امکان برخوردار بود که ارزیابی نماید که آیا انصراف های احتمالی می تواند مجلس شورای اسلامی را از رسمیت بیاندازد یا خیر.

۴. متن پیشنهادی کمیسیون با اصل کلی بودن حکم قانون سازگار بود زیرا به صورت عام مقرر می کرد: "انتخاب نماینده حوزه انتخابیه مورد نظر در اولین انتخابات میان دوره ای بعد از انصراف انجام خواهد شد". به وسیله بیان حکم کلی مسأله، قانونگذار خود را بر بیان حکم برای موضوع خاص و حوزه انتخابیه مشخصی محدود نمی کرد. حسن این موضوع زمانی مشخص می گردد که می بینیم در متن نهایی مصوب مجلس از حوزه انتخابیه بابلسر و

۱۹- در کتاب فرهنگ اصطلاحات حقوقی، اصطلاح انصراف به این صورت تعریف شده است: "عملی که توسط آن یک شخص از یک حق، خصوصاً از یک حق راجع به یک مال، صرف نظر می کند". در تعریف انصراف هیچ اشاره ای به لزوم قبول توسط شخص یا نهاد خاصی نشده است که دلالت بر یکطرفه بودن این عمل دارد. تلقی عرف نیز از انصراف، برخلاف استعفا، ایقاع و یکطرفه بودن است. رک:

S. Guinchard et G. Montagnier, *Lexique des termes juridiques*, Paris, Dalloz, 12<sup>e</sup> éd, 1999, p. 455

۲۰- روزنامه رسمی، شماره ۱۷۵۰۷، همان، صص ۱۳ و ۱۴.



فریدونکنار به صراحت نام برده شده است. البته ایراد تقریر قانون برای بیان حکم موضوعی خاص بر تبصره ۵ پیشنهادی کمیسیون وارد است که به آن خواهیم پرداخت.

۵. قسمت پایانی متن مصوب کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی با بیان این مساله: "مفاد این تبصره به انتخابات مجلس هفتم تری می یابد"، بدون نام بردن از حوزه انتخابیه خاصی، حوزه انتخابیه بابلسر و فریدونکنار را نیز در بر می گرفت و حکم کلی ماده شامل حوزه انتخابیه مذکور (ولو این که انتخابات در آنجا قبل از تصویب متن پیشنهادی برگزار شده بود) نیز می گردید. لذا برخلاف نظر یکی از نمایندگان مخالف<sup>۲۱</sup>، باید اذعان کرد که متن مصوب کمیسیون با تسری دادن حکم ماده به انتخابات مجلس هفتم مشکل عدم عطف به ماسبق شدن قوانین را راجع به حوزه انتخابیه بابلسر و فریدونکنار حل می کرد. به منظور خدشه دار نشدن اصل امنیت حقوقی، اصل بر عدم عطف به ماسبق شدن قانون است اما در صورت وجود منفعت عمومی امری (بسیار مهم)، قانون می تواند عطف به ماسبق شدن خود را پیش بینی کند.<sup>۲۲</sup> با پیروی از همین منطق، ماده ۴ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران مقرر می دارد: "اثر قانون نسبت به آتیه است و قانون نسبت به ماقبل خود اثر ندارد مگر این که در خود قانون مقررات خاصی نسبت به این موضوع اتخاذ شده باشد". انتخابات در حوزه انتخابیه بابلسر و فریدونکنار یکی از مصادیق انتخابات مجلس هفتم بوده است که قانونگذار حکم ماده را به آن تسری می داد. زمان تصویب قانون پس از برگزاری انتخابات در این حوزه و مطرح شدن انصراف یا استعفای منتخب آن بوده است و برای این که حکم قانون شامل این مورد نیز بشود قانونگذار می بایست عطف به ماسبق شدن آن را پیش بینی می کرد. متن پیشنهادی با مقدم دانستن مصلحت نظام بر مصلحت هر شخصی<sup>۲۳</sup> به صورت واضح و روشن شمول قانون را نسبت به تمام انتخابات مجلس هفتم بیان می نمود.

۶. متن مصوب کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی اعتبار انصراف منتخب را پیش از افتتاح مجلس جدید به رسمیت می شناخت و لذا راه حل مناسبی را برای حل معضلات و مشکلات امنیتی در موارد مشابه ناآرامی های بخش فریدونکنار ارایه می کرد. زیرا عدم امکان انصراف یا استعفای فرد منتخب و یا معلق نمودن اعتبار آن به تصویب مجلس یا هر مرجع دیگری در آینده می تواند به تشدید ناآرامی ها و در نتیجه به خطر انداختن امنیت ملی منجر گردد. مثال بارز این مساله مورد ناآرامی ها در

۲۱- همان، ص ۱۳.

22- MATHIEU, (Bertrand), La loi, Paris, Dalloz, 1996, p. 115

۲۳- روزنامه رسمی، شماره ۱۷۵۰۵، همان، ص ۲۶.

بخش فریدونکنار بود که با اعلام استعفای فرد منتخب به سرعت فروکش نمود. در نامه کمیسیون اصل ۹۰ مجلس هفتم به رییس مجلس که در آن منتخب مستعفی را نماینده قانونی حوزه انتخابیه بابلسر و فریدونکنار می شناخت ذکر شده است که منتخب بابلسر "به ادعای خود به طور صوری و برای تسکین التهاب بوجود آمده پنج روز بعد از انتخابات استعفا داده است"<sup>۲۴</sup>.

۷. متن مصوب کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی با نظریه اعطای حقانیت ملی پارلمان به وسیله تصویب اعتبارنامه ها سازگاری بیشتری داشت. بر اساس نظریه اعطای حقانیت پارلمان، رسیدگی به اعتبارنامه ها عملی است که حقانیت ملی را از پارلمان به عنوان نماد حاکمیت ملی به منتخبان اعطا می کند و در نتیجه نمایندگی محلی آنها را به نمایندگی ملی مبدل می سازد. در آرای برخی از حقوقدانان<sup>۲۵</sup> اشاره هایی به این نظریه شده است. به موجب این نظریه، نمایندگی فرد منتخب پیش از تصویب اعتبارنامه او هنوز تثبیت شده نیست و او نمایندگی ملی را در اثر تصویب اعتبارنامه در پارلمان کسب می کند. لذا انصراف فرد منتخب پیش از تصویب اعتبارنامه او معتبر است و نیازی به پذیرش آن توسط مجلس نیست. به کار بردن اصطلاحات منتخب و انصراف در متن پیشنهادی کمیسیون موید این مطلب است که فرد منتخب پیش از تصویب اعتبارنامه اش نماینده نیست. در بیانات برخی از نمایندگان نیز اشاره شده است که از زمان انتخاب تا تصویب اعتبارنامه در مجلس، شخص منتخب مردم است ولی هنوز به عنوان نماینده مجلس تلقی نمی شود و از زمان تصویب اعتبارنامه قانونا فرد منتخب نماینده مردم می شود.<sup>۲۶</sup> استعفای نمایندگان باید به تصویب پارلمان برسد.

۸. متن مصوب کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی با منطبق اصل ۶۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز سازگاری داشت. این اصل مقرر می دارد: "دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی چهار سال است. انتخابات هر دوره باید پیش از پایان دوره قبل برگزار شود به طوری که کشور در هیچ زمان بدون مجلس نباشد". یکی از دغدغه های قانونگذار اساسی در این اصل بیان شده است و آن این که کشور در هیچ زمان نباید بدون مجلس باشد. متن مصوب کمیسیون عدم پذیرفته تلقی شدن انصراف را به حالت ممانعت انصراف از تشکیل رسمی مجلس شورای اسلامی محصور می نمود. پس در فرضی که انصراف های احتمالی منتخبان مانع تشکیل رسمی مجلس می شد و به نوعی کشور را با

24- <http://www.isna.ir/Main/NewsView.aspx?ID=News-471195>

۲۵- سید جلال الدین منانی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، پایدار، چاپ هفتم، بهار ۱۳۸۴، صص ۱۸۱-۱۸۰ و عباسعلی عمید زنجانی، فقه سیاسی، جلد اول، تهران، امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۷۷، ص ۱۳۱.

۲۶- روزنامه رسمی، شماره ۱۷۵۰۵، همان، ص ۲۶ و روزنامه رسمی، شماره ۱۷۵۰۷، همان، ص ۱۳.

وضعیت بدون مجلس مواجه می‌کرد، انصراف منتخبان معتبر نبود و وزارت کشور موظف بود آن انصراف یا انصراف‌ها را نپذیرد.<sup>۲۷</sup> این دغدغه قانونگذار اساسی در آیین نامه داخلی مجلس راجع به استعفای نمایندگان نیز لحاظ شده است. ماده ۹۵ آیین نامه داخلی مجلس در این رابطه مقرر می‌نماید: "هرگاه تقاضای استعفای تعدادی از نمایندگان به نحوی باشد که مانع از تشکیل جلسه رسمی گردد قابل طرح در مجلس نیست".

علیرغم محاسن مذکور، به متن مصوب کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی ایراداتی نیز وارد می‌شد.

### بند ب. معایب متن مصوب کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی

۱. عنوان طرح عبارت بود از: "الحاق یک تبصره به ماده ۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی"، ولی در عمل کمیسیون در شور دوم دو تبصره جداگانه را جهت الحاق به ماده مربوطه پیش بینی کرده بود. یک تبصره به عنوان تبصره ۴ که ذکر آن گذشت و یک تبصره به عنوان تبصره ۵ که مقرر می‌کرد: "جهت برگزاری انتخابات میان دوره ای حوزه انتخابیه بایلسر اشخاص مذکور در مواد ۲۸ و ۲۹<sup>۲۸</sup> قانون انتخابات در صورتی که حداکثر ۱۰ روز پس از ابلاغ این قانون و اعلام وزارت کشور استعفا دهند می‌توانند در انتخابات میان دوره ای مجلس هفتم هم زمان با انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری شرکت نمایند"<sup>۲۹</sup>. لذا به بیان یکی از نمایندگان مخالف، کلیاتی که مجلس رأی داده چیز دیگری بود و گزارش کمیسیون امنیت ملی چیز دیگری بود.<sup>۳۰</sup> ظاهراً این ایراد شکلی بر متن مصوب کمیسیون وارد بود زیرا کمیسیون موظف است در چهارچوب کلیات مصوب پارلمان شور کند و متن مصوب خود را به مجلس پیشنهاد کند.

۲. تبصره ۵ مصوب کمیسیون با این ایراد مواجه بود که فقط در مورد حوزه انتخابیه خاص (بایلسر و فریدونکنار) حکم قانونی مقرر می‌کرد و این مساله با اصل لزوم کلی و فراگیر بودن حکم قانون

۲۷- روزنامه رسمی، شماره ۱۷۵۰۵، همان، ص ۲۶.

۲۸- ماده ۲۹ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی موارد انتخاب ناپذیری محدود را ذکر می‌نماید. به موجب این ماده، اشخاصی که به دلیل شغلی انتخاب ناپذیر هستند فقط در صورتی می‌توانند در انتخابات داوطلب گردند که دو ماه قبل از ثبت نام داوطلبی از شغل خود استعفا نمایند.

۲۹- روزنامه رسمی، شماره ۱۷۵۳۱، همان، ص ۳۲.

۳۰- همان، ص ۳۱.

سازگار نبود. قانون ثابت ندارد مگر زمانی که کلی باشد، وگرنه دایما در معرض تهدید منسوخ شدن و بی اعتباری است، هرچند از منظر حقوقی قانون بی اعتبار وجود ندارد و قانون تا زمانی که نسخ نشود قابلیت اجرایی دارد.<sup>۳۱</sup> به بیان یکی از نمایندگان مخالف "در شان قانونگذار نیست که در یک تبصره الحاقی به قانون انتخابات، نام یک حوزه انتخابیه را بیابورد"<sup>۳۲</sup>.

۳. تبصره ۵ مصوب کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مقرر می کرد: "جهت برگزاری انتخابات میان دوره ای حوزه انتخابیه بابلسر اشخاص مذکور در مواد ۲۸ و ۲۹ قانون انتخابات در صورتی که حداکثر ۱۰ روز پس از ابلاغ این قانون و اعلام وزارت کشور استعفا دهند، می توانند در انتخابات میان دوره ای مجلس هفتم هم زمان با انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری شرکت نمایند". لذا ایراد دیگر این متن این بود که ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس را در کنار ماده ۲۹ آن که راجع به موارد انتخاب ناپذیری محدود<sup>۳۳</sup> در انتخابات پارلمانی است ذکر می کرد. به موجب ماده ۲۹، اشخاصی که به دلایل شغلی در تمام حوزه های انتخابیه سراسر کشور و یا در حوزه های انتخابیه محل مأموریت خود انتخاب ناپذیر هستند فقط در صورتی می توانند در انتخابات داوطلب گردند که حداقل دو ماه قبل از ثبت نام داوطلبی از شغل خود استعفا نمایند. لذا تصریح به این موضوع که لزوم استعفای انتخاب ناپذیران محدود در دوره زمانی حداقل دو ماه پیش از ثبت نام داوطلبی در مورد حوزه انتخابیه بابلسر ضروری نیست منطقی می نمود. اما ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی در مورد شرایط انتخاب پذیری است و ربطی به موارد انتخاب ناپذیری ندارد. اصولا در ماده ۲۸ قانون مذکور مهلت زمانی خاصی ذکر نشده است تا اینکه احيانا قانونگذار به عدم لزوم رعایت مهلت مقرر حکم نماید. قرار دادن ماده ۲۸ در کنار ماده ۲۹ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی در متن مصوب کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی بی معنی و کار بیهوده ای بود.

۴. متن مصوب کمیسیون مقرر می کرد: "در صورتی که متتخین مجلس شورای اسلامی ... از پذیرش سمت نمایندگی منصرف شوند مراتب را بصورت رسمی به وزارت کشور اعلام می نمایند. این انصراف در صورتی که مانع تشکیل رسمی مجلس شورای اسلامی نشود پذیرفته شده تلقی می گردد.... به نظر برخی از نمایندگان، تالی فاسد این طرح این بود که این اختیار را به وزارت کشور می داد که

31- MATHIEU, (Bertrand), op. cit, p. 83

۳۲- روزنامه رسمی، شماره ۱۷۵۳۱، همان، ص ۳۰

۳۳- اهداف اصلی قانونگذاران اساسی و عادی در پیش بینی موارد انتخاب ناپذیری محدود عبارتند از تضمین برابری داوطلبان و آزادی رأی دهندگان.

تاثیرگذار در سرنوشت یک یا چند حوزه انتخابیه باشد<sup>۳۴</sup>. حد و مرزی نیز توسط قانون برای این مساله که چه تعداد از انصراف متخبان به از رسمیت انداختن مجلس منجر می شود مشخص نشده بود<sup>۳۵</sup> و دستگاه اجرایی (وزارت کشور) بدون هیچ گونه محدودیت جدی می توانست در پذیرش یا عدم پذیرش انصراف ها به موضوع ممانعت یا عدم ممانعت از تشکیل رسمی مجلس استناد کند.

۵. متن مصوب کمیسیون در شور اول (که فقط تبصره ۴ بود) مشکل حوزه انتخابیه بابلسر را حل نمی کرد<sup>۳۶</sup>. هرچند عطف به ماسبق شدن قانون به نوعی در متن آن پیش بینی شده بود ولی حکم آن در مورد وقایع حوزه انتخابیه بابلسر و فریدونکنار منطبق نبود. متن مصوب کمیسیون مقرر می کرد که متخبان مراتب انصراف را بصورت رسمی به وزارت کشور اعلام می نمایند و حال آن که متخب بابلسر استعفای خود (و نه انصراف) را به فرمانداری بابلسر (و نه وزارت کشور) اعلام نموده بود. تحویل استعفا به فرمانداری را نمی توان نوعی تحویل انصراف به وزارت کشور تلقی کرد و متخب بابلسر می بایست انصراف خود را به وزارت کشور تحویل می داد تا مشمول حکم قانون شود<sup>۳۷</sup>.

طرح مصوب کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی با ایراداتی همراه بود، ولی محاسن آن به مراتب وزین تر و بیشتر بوده است. علیرغم محاسن جدی متن مصوب کمیسیون، رأی مجلس به این متن منفی بود و لذا مورد تصویب قرار نگرفت<sup>۳۸</sup>. با توجه به این که پیشنهاد حذف این طرح نیز با رأی مثبت نمایندگان مواجه نشد<sup>۳۹</sup>، مجلس شورای اسلامی به سوی بررسی پیشنهادات دیگر نمایندگان پیش رفت.

### مبحث دوم: متن پیشنهادی یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی

پس از عدم تصویب طرح پیشنهادی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی، یکی از نمایندگان متنی را تحت عنوان الحاق یک تبصره به ماده ۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی پیشنهاد کرد که مقرر می نمود: «شورای نگهبان قانون اساسی در حوزه های انتخابیه که فرد یا افراد منتخب ظرف مدت

۳۴- روزنامه رسمی، شماره ۱۷۵۰۷، همان، ص ۱۳.

۳۵- همان، ص ۱۵.

۳۶- همان، ص ۱۳.

۳۷- همان، ص ۱۵.

۳۸- روزنامه رسمی، شماره ۱۷۵۳۱، همان، ص ۳۲.

۳۹- منبع پیشین.

سه ماه از تشکیل دوره مجلس شورای اسلامی (هفتم خرداد) در مجلس حضور پیدا نکنند، به وزارت کشور اجازه برگزاری انتخابات میان دوره ای را خواهد داد. این قانون از تاریخ تصویب لازم الاجرا بوده و شامل دوره هفتم نیز می شود (برای داوطلبین میان دوره ای دوره هفتم موضوع این تبصره مراعات مهلت مقرر استعفا از سمت های ذیربط ضروری نمی باشد)<sup>۴۰</sup>. متن مذکور با محاسن و معایب همراه بود که برخی از آنها ذکر خواهند شد.

### **بند الف. محاسن متن پیشنهادی یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی**

محاسن این متن که توسط نماینده پیشنهاد دهنده به عنوان دلایل ارایه آن بیان شده بود به قرار زیر است.

۱. متن پیشنهادی مشکل حوزه انتخابیه بابلسر و فریدونکنار را حل می نمود. منتخب بابلسر با توجه به گذشت چند ماه از شروع مجلس در پارلمان حاضر نشده بود و سقف زمانی سه ماه را گذرانده بود. لذا این حوزه انتخابیه واجد شرایطی می شد که برای اجازه دادن شورای نگهبان به وزارت کشور جهت برگزاری انتخابات میان دوره ای لازم بود<sup>۴۱</sup>. به علاوه، این متن مقرر می کرد که شامل دوره هفتم نیز می شود و به این ترتیب مشکل عدم عطف به ماسبق شدن قانون را نسبت به حوزه انتخابیه مذکور حل می کرد.

۲. در ذیل پیشنهاد؛ بیان شده بود "برای داوطلبین میان دوره ای دوره هفتم موضوع این تبصره مراعات مهلت مقرر استعفا از سمت های ذیربط ضروری نمی باشد". لذا افرادی که به دلایل شغلی می بایست در مهلت خاصی پیش از ثبت نام برای نامزد شدن استعفا دهند در مورد انتخابات میان دوره ای مجلس هفتم از شمول حکم کلی قانون انتخابات استثناء شده بودند و در نتیجه لزوم ارایه استعفا در مهلت زمانی حداقل دو ماه پیش از ثبت نام برای آنها جاری نبود. با توجه به محاسن جزئی طرح پیشنهادی، ایرادات وارده بر آن بسیار جدی تر بودند.

### **بند ب. معایب متن پیشنهادی یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی**

همان گونه که از اظهارات نماینده مخالف پیشنهاد مزبور استنباط می شود، این پیشنهاد با ایرادات و ابهامات جدی مواجه بود که مهمترین آنها به قرار زیر است.

۴۰- همان، ص ۳۳.

۴۱- منبع پیشین.

۱. متن پیشنهادی برای پاسخگویی به شرایط اضطراری منجر به انصراف متخبان مناسب نبود و می توانست به لحاظ امنیتی حتی در دسر آفرین باشد. یعنی اگر در موارد مشابه ناآرامی های حوزه انتخابیه بابلسر و فریدونکنار با لحاظ مصالح جامعه و ضرورت های حفظ نظم عمومی فرد منتخب تصمیم به انصراف می گرفت، تعیین تکلیف در مورد اعتبار یا عدم اعتبار انصراف او حداقل تا سه ماه پس از افتتاح دوره جدید قانونگذاری معلق می ماند.<sup>۴۲</sup> زیرا متن پیشنهادی می گفت که اگر فرد یا افراد منتخب ظرف سه ماه در مجلس حاضر نشدند شورای نگهبان به وزارت کشور اجازه برگزاری انتخابات میان دوره ای را می دهد. در صورت وقوع مسایل امنیتی و معضلات منجر به انصراف می بایست حداقل تا سه ماه پس از تشکیل مجلس صبر کرد تا احیاناً در صورت عدم حضور منتخب منصرف یا مستعفی در مجلس، شورای نگهبان اجازه برگزاری انتخابات میان دوره ای را به وزارت کشور بدهد. لذا عملاً انصراف یا استعفا در موارد اضطراری معنایی نداشت و بر فرض انصراف یا استعفای منتخب، او می توانست با مراجعه به مجلس در محدوده زمانی سه ماه از افتتاح مجلس جدید امکان مراجعه به انتخابات میان دوره ای را از بین ببرد. به موجب این متن، اجرایی شدن تصمیم منتخب به انصراف منوط به گذشت حداقل سه ماه از افتتاح مجلس جدید می شد. بدیهی است که از مردم حوزه انتخابیه و افکار عمومی نمی توان انتظار داشت که در شرایط بحرانی و اضطراری منتظر بمانند تا مشخص شود که آیا فرد منتخب منصرف در مدت سه ماه پس از افتتاح مجلس جدید در آن حاضر خواهد شد یا خیر و آیا بر فرض عدم حضور او شورای نگهبان به وزارت کشور اجازه برگزاری انتخابات را خواهد داد یا خیر.

۲. متن پیشنهادی شورای نگهبان را وارد مقوله اجرای انتخابات می کرد، در حالی که وظیفه او اعمال نظارت بر صحت انتخابات است.<sup>۴۳</sup> بر فرض تصویب این پیشنهاد، شورای نگهبان می بایست بررسی کند که آیا تمام متخبان در طی سه ماه پس از تشکیل دوره قانونگذاری به مجلس آمده اند یا خیر و در صورت عدم حضور به وزارت کشور اجازه برگزاری انتخابات میان دوره ای را می داد.

۳. بر اساس متن پیشنهادی، بر فرض عدم حضور متخبان، شورای نگهبان به وزارت کشور اجازه برگزاری انتخابات میان دوره ای را می داد، اما سقف زمانی خاصی جهت صدور اجازه برگزاری انتخابات میان دوره ای پس از سه ماه از افتتاح مجلس برای شورای نگهبان پیش بینی نشده بود. یعنی در

۴۲- روزنامه رسمی، شماره ۱۷۵۲۳، مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی، دوره هفتم - اجلاس اول، جلسه ۹۳،

مورخ ۱۳۸۳/۱۲/۲۶، صص ۱۴-۱۵.

۴۳- همان، ص ۱۵.

صورت تصویب این متن، شورای نگهبان می توانست بدون هیچ گونه محدودیت زمانی هر وقت که خود صلاح بداند به وزارت کشور اجازه برگزاری انتخابات میان دوره ای را اعطا نماید و فقط موظف بود که قبل از گذشت محدوده زمانی سه ماه از افتتاح مجلس چنین اجازه ای را صادر نکند.

۴. علیرغم نظر پیشنهاد دهنده طرح<sup>۴۴</sup>، باید اذعان نمود که متن پیشنهادی مشکل حوزه انتخابیه بابلسر و فریدونکنار را حل نمی کرد. منتخب مستعفی این حوزه انتخابیه بلافاصله در مجلس هفتم حاضر شد و انصراف خود از استعفا را نیز قبلاً اعلام کرده بود. این وقایع در حالتی اتفاق افتاد که وزارت کشور نیز اعتبارنامه او را صادر نمی کرد. پیش بینی ضرورت تصویب الحاق یک تبصره به ماده ۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی به این منظور بود که مشکل این حوزه انتخابیه حل شود، حال آن که تصویب این متن زمینه طرح سوالات دیگر را فراهم می کرد. مثلاً آیا مراجعه منتخب بابلسر به مجلس هفتم را می بایست به عنوان حضور در مجلس در محدوده زمانی سه ماه از افتتاح دوره جدید تلقی کرد؟ چگونه می توان این مساله را نوعی حضور در مجلس به حساب آورد و حال آن که اعتبارنامه او توسط وزارت کشور صادر نشده بود؟

با توجه به ایرادات و ابهاماتی که در متن مذکور وجود داشت، نماینده پیشنهاد دهنده آن را پس گرفت<sup>۴۵</sup> و زمینه را برای طرح پیشنهاد دیگری که توسط جمعی از نمایندگان تهیه شده بود فراهم کرد.

### مبحث سوم : متن نهایی مصوب مجلس شورای اسلامی

جمعی از نمایندگان متنی را به مجلس پیشنهاد نمودند<sup>۴۶</sup> که این متن مورد تصویب پارلمان قرار گرفت. متن نهایی مصوب مجلس تحت عنوان تبصره ۴ الحاقی به ماده ۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مقرر می کند: "پس از تایید صحت انتخابات توسط شورای نگهبان، وزارت کشور

۴۴- روزنامه رسمی، شماره ۱۷۵۳۱، همان، ص ۳۳.

۴۵- روزنامه رسمی، شماره ۱۷۵۳۳، همان، ص ۱۵.

۴۶- متن پیشنهادی جمعی از نمایندگان مقرر می نمود: "تبصره- پس از تایید صحت انتخابات توسط شورای نگهبان، وزارت کشور موظف است اعتبارنامه کلیه منتخبین را صادر و به مجلس شورای اسلامی ارسال نماید. پذیرش انصراف هر یک از منتخبین پس از تایید صحت انتخابات و قبل از تصویب اعتبارنامه نیز می بایست به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد. انتخابات حوزه انتخابیه بابلسر و فریدونکنار هم زمان با انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری برگزار خواهد شد و مهلت های مقرر در مواد ۲۸ و ۲۹ قانون انتخابات برای این حوزه لازم الرعایه نمی باشد. این قانون از تاریخ تصویب لازم الاجراست". (روزنامه رسمی، شماره ۱۷۵۳۳، همان، ص ۱۵).



موظف است اعتبارنامه کلیه منتخبین را صادر و به مجلس شورای اسلامی ارسال نماید. پذیرش انصراف هر یک از منتخبین پس از تایید صحت انتخابات و قبل از تصویب اعتبارنامه نیز می بایست به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد. انتخابات حوزه انتخابیه بابلسر و فریدونکنار هم زمان با انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری برگزار خواهد شد. مهلت های مقرر در مواد ۲۸ و ۲۹ قانون انتخابات برای این حوزه لازم الرعایه نمی باشد. این قانون از تاریخ تصویب لازم الاجرا است.<sup>۴۷</sup>

متن مصوب مجلس شورای اسلامی دارای محاسن و معایبی است که ذکر آنها امکان ارزیابی دقیق تر وضعیت حقوقی انصراف منتخبان پیش از تصویب اعتبارنامه ها در مجلس را فراهم می نماید.

### بند الف. محاسن متن نهایی مصوب مجلس شورای اسلامی

۱. حسن اصلی قانون مصوب این است که در مورد انصراف منتخبان، ولو به صورت ناقص، حکم قانونی مقرر کرد. همان گونه که نایب رییس مجلس نیز در مقدمه طرح موضوع در مجلس بیان کرد<sup>۴۸</sup>، قانون انتخابات در مورد وضعیت انصراف یا استعفای منتخب کاملاً ساکت بود. با تصویب این قانون دست کم وضعیت انصراف منتخبان پس از تایید صحت انتخابات توسط شورای نگهبان مشخص شد که باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

۲. حسن دیگر قانون مصوب این است که مشکل حوزه انتخابیه بابلسر و فریدونکنار را حل کرد، زیرا قانونگذار صراحتاً مقرر می دارد: "انتخابات حوزه انتخابیه بابلسر و فریدونکنار هم زمان با انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری برگزار خواهد شد." قانونگذار از پذیرش یا عدم پذیرش استعفا یا انصراف منتخب بابلسر سخنی به میان نمی آورد و ظاهراً علاقمند نیست که خود را درگیر مساله اعتبار یا عدم اعتبار استعفای منتخب بابلسر بنماید. اما برای این که راه حلی برای این حوزه انتخابیه ارایه کند بطور صریح مقرر می دارد که انتخابات این حوزه با انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری برگزار خواهد شد.

۳. حسن دیگر تبصره مصوب استفاده نمودن از اصطلاح انصراف است. در رابطه با انصراف یا استعفا دانستن عدم پذیرش سمت نمایندگی توسط منتخب همواره اختلاف نظر وجود دارد. در مورد منتخب بابلسر نیز یکی از مباحث مطروحه توسط موافقان و مخالفان، مساله انصراف یا استعفا دانستن اعلام عدم پذیرش سمت نمایندگی توسط او بود که در قالب استعفا مطرح شده بود. ریشه این اختلاف

۴۷- روزنامه رسمی، شماره ۱۷۵۱۶، مورخ ۱۳۸۴/۱/۳۱، ص ۴.

۴۸- روزنامه رسمی، شماره ۱۷۴۳۲، همان، ص ۲۴.

نظر در مبانی نظری رسیدگی به اعتبارنامه ها نهفته است و آن این که اگر تصویب اعتبارنامه ها را نوعی اعطای حقانیت ملی بدانیم و وضعیت نمایندگی منتخب پیش از تصویب اعتبارنامه او را غیر ثابت فرض نماییم، اعلام عدم پذیرش سمت نمایندگی توسط او را باید انصراف تلقی کرد که اصولاً نیازمند تصویب نهاد یا مرجع خاصی نیست. اما اگر نمایندگی را برای منتخب پیش از تصویب اعتبارنامه او تثبیت شده تلقی کنیم، عدم پذیرش سمت نمایندگی توسط او را باید استعفا و نیازمند قبول توسط نهاد یا مرجع خاص (در اینجا مجلس شورای اسلامی) تلقی کرد. قانونگذار در مورد منتخبان از اصطلاح انصراف استفاده کرده است ولی آن را بطور استثنایی منوط به پذیرش مجلس می نماید.

۴. متن مصوب مجلس برای منتخبان امنیت حقوقی به وجود می آورد و حقوق مردم حوزه انتخابیه را نیز تضمین می کند. همواره این امکان وجود دارد که از راه های تهدید و فشار و با ارایه دلایل واهی از منتخبان درخواست شود که انصراف دهند. متن مصوب از وقوع این گونه مسایل جلوگیری می کند و حضور منتخب و معتمد مردم در مجلس را تضمین می کند. منتخب منصرف باید در مجلس حاضر شود تا مجلس در اثر عقل جمعی با در نظر گرفتن مصالح، رعایت حقوق افراد، رعایت حقوق اجتماع و رعایت حقوق نظام تصمیم گیری کند.<sup>۱۹</sup>

علیرغم محاسن مذکور، به متن نهایی مصوب مجلس ایرادات بسیاری وارد است.

### **بند ب. معایب متن نهایی مصوب مجلس شورای اسلامی**

۱. ایراد اصلی متن مصوب مجلس شورای اسلامی این است که از جامعیت لازم برای پوشش تمام صورت های انصراف منتخبان برخوردار نیست. تبصره ۴ ماده ۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مقرر می دارد: "پذیرش انصراف هر یک از متخین پس از تایید صحت انتخابات و قبل از تصویب اعتبارنامه نیز می بایست به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد". قانونگذار مقرر می نماید که انصراف منتخبان پس از تایید صحت انتخابات توسط شورای نگهبان باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد اما مشخص نمی کند که وضعیت انصراف منتخب از پذیرش سمت نمایندگی پس از اعلام نتایج توسط وزارت کشور و پیش از تایید صحت انتخابات توسط شورای نگهبان چگونه خواهد بود. وضعیت انصراف داوطلبان نمایندگی و استعفای نمایندگان به ترتیب در قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی (ماده ۴۶) و آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی (ماده ۹۲) بیان شده است و تبصره ۴ ماده ۸ قانون مذکور نیز وضعیت انصراف منتخبان پس از تایید صحت انتخابات را بیان می کند که

باید همانند استعفای نمایندگان به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد ولی در مورد حکم انصراف متتخبان پیش از تایید صحت انتخابات توسط شورای نگهبان با خلا قانونی یا سکوت قانونگذار مواجه می باشیم.

۲. ایراد دیگر متن مصوب مجلس شورای اسلامی این است که از اصل ایقاعی بودن انصراف پیروی نمی کند، زیرا به موجب این متن پذیرش انصراف متتخبان منوط به تصویب مجلس شورای اسلامی است. قانونگذار در اینجا از منطق حقوقی حاکم بر استعفا پیروی می کند و حال آن که انصراف نوعی ایقاع و عملی یک طرفه است و اصولاً اعتبار آن نباید به پذیرش نهاد یا فرد خاصی مشروط گردد. ظاهراً به دلیل دغدغه رعایت منافع عموم و به ویژه مردم حوزه انتخابیه، قانونگذار در مورد انصراف متتخبان بر اصل یک طرفه بودن و عدم لزوم قبول در ایقاعات استثنا زده است. در بیانات مخالفان اعتبار بدون قید و شرط انصراف به این نکته توجه شده است که نباید به راحتی انصراف متتخب را معتبر تلقی کرد و حتماً انصراف باید توسط مرجع خاصی بررسی شود، زیرا هزینه های زیادی از بیت المال جهت برگزاری انتخابات مصرف می شود و دستگاه های اجرایی نیز وقت زیادی را صرف برگزاری انتخابات می کنند.<sup>۵۰</sup>

۳. متن مصوب مجلس در مورد قابل عدول بودن یا نبودن انصراف متتخبان ساکت است. پاسخ مساله قابلیت یا عدم قابلیت رجوع از انصراف را می توان در مباحث مربوط به دایره شمول اصله اللزوم در معاملات جستجو کرد. برخی از صاحب نظران اصل را در ایقاعات (که انصراف یک قسم از آن است) بر غیر قابل عدول بودن می گذارند و در واقع اصله اللزوم را در ایقاعات (همانند عقود) جاری می دانند. اما برخی دیگر در مورد شمول اصله اللزوم در ایقاعات تشکیک می کنند و لذا امکان رجوع و عدول از ایقاع را می پذیرند.<sup>۵۱</sup> بزرگان حقوق ایران به اصله اللزوم در ایقاعات نظر داده اند.<sup>۵۲</sup>

۵۰- روزنامه رسمی، شماره ۱۷۴۲۲، همان، ص ۲۶.

51- <http://www.isna.ir/Main/NewsView.aspx?ID=News-471195>

۵۲- زنده یاد دکتر سید مهدی شهیدی معتقد است که انعکاس آثار ایقاع در روابط اجتماعی سبب می شود که این عمل حقوقی پس از تحقق اصولاً لازم و غیر قابل فسخ باشد و به همین جهت قانون فسخ را برای ایقاعات پیش بینی نکرده است. اما برخی از ایقاعات استثنائاً و به لحاظ عدم ارتباط با حقوق اشخاص، به وسیله موقع، قابل رجوع دانسته شده است، مانند وصیت عهدی (ماده ۸۳۸ ق.م). آقای دکتر سید مهدی شهیدی اضافه می نمایند که در فقه اصل لزوم استنباط شده از عموماً فقهی فقط برای عقود شناخته شده است (سید میرزا حسن بجنوردی، *التواحد الفقهی*، ج ۵، صص ۱۷۳ و ۱۹۴)، هرچند بنای عقلاً را به عنوان دلیل نسبت به لزوم ایقاعات نیز می توان ثابت دانست. ر.ک: سید مهدی شهیدی، *حقوق مدنی - جلد دوم* -

در اینجا قانونگذار بر اصل ایقاعی بودن انصراف استثنا زده است و به نوعی حکم استعفا (عقود) را برای آن مقرر نموده است. حال آن که خصیصه ایقاعی برای انصراف متخبران مجلس توسط قانونگذار پذیرفته نشده است و به نوعی حکم عقود، یعنی لزوم قبول آن توسط شخص دیگر یا نهاد خاص، بر آن جاری شده است، آیا می توان گفت که انصراف هم قابل عدول است؟ ظاهراً این انصراف، با توجه به اینکه نوعی اسقاط حق نیز هست، غیر قابل عدول است، اما موضع قانونگذار روشن نیست. حداقل مطلبی که می توان گفت این است که قانونگذار در مورد قابلیت یا عدم قابلیت عدول از انصراف سکوت کرده است. لذا اگر بر فرض انصراف یک منتخب، او پیش از طرح مساله در مجلس جدید از انصراف خود پشیمان شود و عدول کند با خلاء حکم قانون مواجه خواهیم بود و مساله اعتبار یا عدم اعتبار عدول از انصراف مطرح خواهد شد.

در حوزه انتخابیه بابلسر و فریدونکنار نیز منتخب مستعفی با عدول از استعفای خود زمینه طرح این پرسش را فراهم کرده بود که آیا عدول او از استعفا یا انصراف معتبر است؟ از نامه کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی به رییس مجلس هفتم استنباط می گردد که وزارت کشور استعفای منتخب بابلسر را انصراف تلقی می کرد و انصراف را به جهت ایقاع بودن غیر قابل عدول می دانست، ولی کمیسیون اصل نود معتقد بود که علیرغم عدم لزوم قبول در ایقاعات، قابلیت رجوع از آنها وجود دارد (چنانچه در مورد طلاق مشهود است) و به دلیل سکوت قانون، قابلیت رجوع به حال خود باقی است.<sup>۳۲</sup> سکوت متن نهایی مصوب مجلس درباره قابل یا غیر قابل رجوع بودن انصراف منتخب با توجه به سابقه موضوع در انتخابات مجلس هفتم از ایرادات جدی متن مصوب است.

۴. تبصره ۴ ماده ۸ قانون مذکور مقرر می دارد: "انتخابات حوزه انتخابیه بابلسر و فریدونکنار هم زمان با انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری برگزار خواهد شد. مهلت های مقرر در مواد ۲۸ و ۲۹

---

۳۲- اصول قراردادها و تعهدات، تهران، عصر حقوق، ۱۳۷۹، صص ۲۷۷ و ۲۷۸. آقای دکتر ناصر کاتوزیان نیز معتقد است که مصالحی که باعث شده است تا در قراردادها "اصل لزوم" پذیرفته شود، در ایقاع هم وجود دارد و دلایلی که آن اصل را تایید می کند، از جمله استصحاب بقای موجود اعتباری، در ایقاع نیز به کار می رود. باید تقسیم ایقاع به جایز و لازم را پذیرفت و لزوم ایقاع را به عنوان "اصل" تایید کرد. در مواردی که هدف از ایقاع ایجاد التزام یا اسقاط حق و انحلال عمل حقوقی نیست و انشاء کننده می خواهد بدین وسیله به دیگری اذن دهد یا کاری را بر او مباح سازد، بیگمان می تواند از اذن باز گردد. رک: ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی - ایقاع (نظریه عمومی - ایقاع معین)، تهران، بلد، ۱۳۷۰، صص ۵۴، ۵۵ و ۵۸. به نظر آقای دکتر کاتوزیان، لزوم ایقاع گاه فراتر از قراردادها می رود، چنانچه بنظر مشهور خیار شرط در آن راه نمی یابد (ناصر کاتوزیان، دوره مقدماتی حقوق مدنی - اعمال حقوقی (قرارداد - ایقاع)، تهران، انتشار، ۱۳۷۰، ص ۴۹۸).

قانون انتخابات برای این حوزه لازم الرعایه نمی باشد". ایراد این متن این است که ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس را در کنار ماده ۲۹ آن که راجع به موارد انتخاب ناپذیری محدود در انتخابات پارلمانی است ذکر می کند. تصریح به عدم لزوم رعایت مهلت مقرر در ماده ۲۹ (ضرورت استعفای انتخاب ناپذیران محدود در دوره زمانی حداقل دو ماه پیش از ثبت نام برای نامزدی در انتخابات) در مورد حوزه انتخابیه بابلسر منطقی بود، زیرا قانونگذار نمی خواست از نامزدی کسانی که در مهلت مقرر استعفا نداده بودند ممانعت کند که به این ترتیب آزادی انتخاب پذیری بیشتر تضمین می شد. ایراد مساله در این امر نهفته است که ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی در مورد شرایط انتخاب پذیری است و ربطی به موارد انتخاب ناپذیری ندارد. اصولاً در ماده ۲۸ قانون مذکور مهلت زمانی خاصی ذکر نشده است که قانونگذار به عدم لزوم رعایت آن حکم نموده است. قرار دادن ماده ۲۸ در کنار ماده ۲۹ قانون انتخابات مجلس در متن مصوب مجلس شورای اسلامی توجیه پذیر نیست.

۵. تبصره ۴ ماده ۸ قانون مذکور فقط در مورد حوزه انتخابیه معینی (بابلسر و فریدونکنار) حکم قانونی مقرر نمود. این امر با اصل لزوم کلی و فراگیر بودن حکم قانون سازگار نیست. مجالس مقننه نباید در امر قانونگذاری خود را به تقریر حکم برای موارد خاص محدود کنند. انتخابات میان دوره ای در حوزه انتخابیه بابلسر و فریدونکنار برگزار شد ولی حکم تبصره مصوب راجع به این حوزه انتخابیه هم چنان در قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی باقی است. به این ترتیب احکامی در قوانین موضوعه باقی خواهند ماند که دایمی نیستند و فقط به تورم غیر منطقی هنجارهای قانونی در نظم حقوقی کمک خواهند کرد. وجود قوانین با مدت حیات کوتاه به متاثر کردن مفهوم قانون منجر می شود و قانون دوراندختنی قابل احترام نیست<sup>۹</sup>.

۶. متن مصوب مجلس مقرر می دارد: "پذیرش انصراف هر یک از منتخبین پس از تأیید صحت انتخابات و قبل از تصویب اعتبارنامه نیز می بایست به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد". این قانون برای پاسخگویی به شرایط بحرانی و اضطراری منجر به انصراف منتخبان مناسب نیست. اگر در موارد مشابه ناآرامی های بخش فریدونکنار فرد منتخب تصمیم به انصراف از پذیرش سمت نمایندگی بگیرد تصویب یا عدم تصویب انصراف او حداقل تا افتتاح دوره جدید قانونگذاری معلق خواهد ماند. کما این که در پاسخ به سوال یکی از نمایندگان، رئیس مجلس هفتم تصریح می کند که منظور از مجلسی که باید انصراف را به تصویب برساند آن مجلسی است که این منتخب منصرف عضو آن است

نه آن مجلسی که در شرف پایان دوره است<sup>۵۰</sup>. لذا در صورت وقوع مسایل امنیتی و معضلات منجر به انصراف منتخب، باید حداقل تا تشکیل مجلس جدید صبر کرد تا احیانا مجلس قانونگذار انصراف او را تصویب یا رد کند. اعتبار یا عدم اعتبار انصراف منتخب منوط به افتتاح و تصمیم مجلس جدید شده است. چگونه می توان از مردم حوزه انتخابیه و افکار عمومی انتظار داشت که در شرایط بحرانی چند ماه منتظر بمانند تا تصمیم مجلس مبنی بر تصویب یا رد انصراف منتخب مشخص شود.

۷. صدر تبصره ۴ ماده ۸ قانون مذکور مقرر می دارد: "پس از تایید صحت انتخابات توسط شورای نگهبان، وزارت کشور موظف است اعتبارنامه کلیه منتخبین را صادر و به مجلس شورای اسلامی ارسال نماید". ذکر این مساله هنجار قانونی جدیدی را بر نظم حقوقی نمی افزاید و در واقع تکرار موضوعی است که قبلا توسط قانونگذار به صراحت بیان شده است. ماده ۷۳ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مقرر می دارد: "صدور اعتبارنامه منتخبین موقوف به عدم ابطال انتخابات از طرف شورای نگهبان می باشد و شورای نگهبان در اسرع وقت نظر خود را درباره انتخابات اعلام می نماید و وزارت کشور موظف است بلافاصله دستور صدور اعتبارنامه را بدهد". ماده ۸۹ قانون مذکور نیز فرمانداران و بخشداران مرکز حوزه انتخابیه را موظف می کند تا حداکثر ظرف چهل و هشت ساعت پس از اعلام ستاد انتخابات کشور مبنی بر صدور اعتبارنامه منتخبان نسبت به صدور اعتبارنامه های نمایندگان مجلس شورای اسلامی حوزه انتخابیه اقدام کنند.

۸. استفاده از لفظ انصراف در متن مصوب به این موضوع اشعار دارد که تصویب اعتبارنامه توسط مجلس قبل از بررسی مساله انصراف لازم نیست و مجلس بطور مستقیم تصویب یا عدم تصویب انصراف را تصمیم گیری می کند. زیرا اگر اعتبارنامه منتخب به تصویب برسد دیگر نمی توان از انصراف سخن گفت بلکه باید از استعفای نماینده حرف زد. حال این پرسش مطرح می شود که چرا انصراف شخصی که هنوز اعتبارنامه اش به تصویب نرسیده است و در نتیجه هنوز نماینده نشده است باید به تصویب مجلس برسد؟ صفت نمایندگی برای فرد منتخب پیش از تصویب اعتبارنامه او تثبیت شده نیست تا زایل شدن آن نیاز به موافقت مقام اعطا کننده (مجلس) داشته باشد. لزوم تصویب انصراف منتخب توسط مجلس را می توان به این صورت توجیه کرد که به جهت لزوم لحاظ منافع عمومی، مجلس برای خود این صلاحیت را شناخته است که راسا تصمیم گیری نماید. حال این سوال مطرح می شود که آیا انصراف منتخب می تواند هم زمان با رسیدگی به اعتبارنامه ها به تصویب مجلس

برسد یا اینکه مجلس باید این مساله را پس از تصویب اعتبارنامه ها بررسی کند؟ پاسخ قانونگذار و حکم قانون روشن نیست.

### نتیجه گیری

یقیناً یکی از دلایل اصلی ایرادات و ابهامات متن نهایی مصوب مجلس شتاب زدگی در فرایند تصویب آن به منظور تعیین تکلیف حوزه انتخابیه بابلسر و فریدونکنار پیش از فرارسیدن تعطیلات سال نو در مجلس بوده است. به هر حال مشکل حوزه انتخابیه بابلسر با تصویب این ماده واحده مرتفع شد ولی ایرادات و ابهامات جدی آن قابل چشم پوشی نیست. در راستای اصلاح احتمالی قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی باید به این پرسش پاسخ داد که چه متنی در صورت تصویب از ایرادات و ابهامات کمتری برخوردار است و با اصول حقوقی سازگارتر می باشد. لذا شایسته است تا متنی را به عنوان پیشنهادی برای جایگزینی متن فعلی تبصره ۴ ماده ۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی ارایه کرد که به مثابه نوعی نتیجه گیری از مباحث مذکور نیز است.

### متن پیشنهادی:

"در صورتی که هر یک از متتخیان مجلس شورای اسلامی قبل یا پس از تایید صحت انتخابات توسط شورای نگهبان تا قبل از تصویب اعتبارنامه در مجلس شورای اسلامی از پذیرش سمت نمایندگی منصرف شود، مراتب را به صورت کتبی به وزارت کشور اعلام می کند. این انصراف در صورت عدم ممانعت از تشکیل رسمی مجلس شورای اسلامی، معتبر است و قابل عدول نیست. انتخاب نماینده حوزه انتخابیه مورد نظر در نخستین انتخابات میاندوره ای بعد از انصراف انجام خواهد شد."



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی